

پروژه خصوصی‌سازی به سرانجام می‌رسد؟

فرصت راستی آزمایی بورس ایران



سامان موحدی راد

۳ وضعیت بورس در ایران موجب نگرانی بسیاری شده است. واکنش متفاوت بورس ایران به رویدادهای جهانی و همچنین حضور بخش بزرگی از جامعه، این ترس را ایجاد کرده که مواجه شدن آن با یک بحران می‌تواند معیشت بخش بزرگی از جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر بسیاری معتقدند وضعیت بورس ایران حبابی است و روند صعودی آن بازتاب درستی از واقعیت بازار اقتصادی ایران نیست. من آدم اقتصادی نیستم و نمی‌دانم این حرف‌ها تا چه حد درست است یا نه. اگر چه همچنان وضعیت بورس ایران برایم سؤال است و دلم می‌خواهد از کم و کیفش سر دربیاورم. به هر حال در وضعیت بحرانی اقتصادی که چند سالی است با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم اینکه چرخ یک جا درست و خوب بچرخد، عجیب است و جای سؤال دارد. با اینکه زیاد سعی کردم از ماجرای بورس سر دربیاورم ولی همچنان سؤال‌های بی‌جواب زیادی درباره بورس دارم که ممکن است در شهریور ماه به جوابش برسم.

شهریور ماه موعد عرضه سهام دو باشگاه استقلال و پرسپولیس در فرابورس است. وزیر ورزش و جوانان چند ماهی است که باز هم روی پروژه خصوصی‌سازی استقلال و پرسپولیس مانور می‌دهد و از عرصه سهام این دو باشگاه در بورس خبر داده است. به نظر می‌رسد دولت حسن روحانی بار دیگر در اواخر عمرش قصد دارد پرونده خصوصی‌سازی دو باشگاه بزرگ پایتخت را باز کند. یکبار دیگر هم در اواخر دولت قبلی محمود گودرزی، وزیر ورزش وقت تلاش کرد تا این دو باشگاه را خصوصی کند که نهایتاً از پس این پروژه برنیامد. حسن زمانی نماینده سابق مجلس هم که روزگاری عضو هیأت مدیره استقلال بوده درباره خصوصی‌سازی سرخابی‌ها به نکته گزنده‌ای اشاره کرده و می‌گوید: «من در یک برهه مسئولیت مستقیم در واگذاری‌ها را به عهده داشتم و مطمئن هستم این اتفاق به هیچ عنوان نخواهد افتاد. هر وقت دولت از این دو باشگاه دل بکند، خصوصی‌سازی انجام می‌شود.» حالا بار دیگر پرده‌های سالن نمایش کنار رفته و ما قرار است شاهد یک پرده دیگر از این داستان تکراری باشیم. داستانی که این بار با بازار بورس گره خورده است.

برگردیم به نکته ابتدایی یادداشت. اینکه دلم می‌خواهد از راست و دروغ بازار بورس سر دربیاورم. به نظرم اگر شهریور ماه شد و سهامداران، سهام این دو باشگاه را روی دست بردند و روند قیمتش هم صعودی شد، باید به ماهیت بازار بورس شک کنیم. بازاری که در آن دو باشگاه ورشکسته با انبوهی از بدهی قرار است با ترازهای مثبت و صعودی دل بورس باز ها را به دست بیاورند و جیب‌شان را پر پول کنند حتماً یک جای کارش می‌لنگد.

سرخابی‌ها در بن بست واگذاری

سرگردانی در بورس

میعاد نیک

۴ اگر در مطبوعات و رسانه‌ها سخنی از عدم امکان‌پذیری واگذاری صحیح استقلال و پرسپولیس به بخش خصوصی به زبان بیاید، تنها عایدی آن رسانه عداوت و مشکل‌تراشی متولیان این ماجرا خواهد بود، اما این بار آیه یأس از بدنه سیاست و ورزش به گوش رسیده و نگاه‌ها را به سمت خود جلب کرده. حسن زمانی نماینده سابق مجلس، عضو سابق هیأت مدیره استقلال در زمان مدیریت رضا افتخاری و یکی از مهره‌های وزیر وقت ورزش برای واگذاری این دو باشگاه به بخش خصوصی با قاطعیت تمام از نشدنی بودن سودای خصوصی‌سازی و مانع‌تراشی‌های پنهانی دولت به زعم حمایت‌های ظاهری‌اش حرف می‌زند که نظراتش پربیراه هم نیست.

از منظر تأثیرگذاری اجتماعی و همه‌گیر بودن وقایع پیرامون یک نهاد، استقلال و پرسپولیس با برخورداری از حمایت ۶۰، ۷۰ میلیون نفری ولو با همه بدهی‌ها و مشکلات اقتصادی یکی از استراتژیک‌ترین توابع دولت و ساختار سیاسی کشور محسوب می‌شوند و دل کندن از دو باشگاهی که هر روز و هر ساعت روی خیل عظیمی از جمعیت ایران تأثیرگذارند، رخ نخواهد داد. بارها در دوره‌های قبل‌تر ریاست جمهوری، رؤسای جمهور و معاونان‌شان با حضور در اردوهای فوتبال ملی و باشگاهی برای خود محبوبیت و مقبولیت بیشتری فراهم و از فوتبال به‌عنوان دستمایه‌ای برای بهتر دیده شدن استفاده کرده‌اند. از دولت فعلی بعید به‌نظر می‌رسد با از دست دادن پرهوادارترین تیم‌های ایرانی وضعیت را به مخاطره بیندازد و با یک واگذاری پرمسأله هم خودش و هم دو تیم را در دردسری به مراتب بزرگ‌تر دچار کند.

شرایط واگذاری باشگاه‌ها به اشخاص حقیقی و یا یک نهاد حقوقی هم که در سنوات گذشته با مخالفت دولتمردان مواجه شد و فعلاً هم راه‌حل مناسبی به نظر نمی‌آید. از سوی دیگر و از منظر اقتصادی یک سازمان برای ورود به بازار فرابورس در ابتدای فعالیت بورسی‌اش نیاز به رعایت سلسله مراتبی سختگیرانه و قانونی دارد که استقلال و پرسپولیس در این زمینه حرفی برای گفتن ندارند. شرکت‌های استقلال و پرسپولیس نه نهادهایی با میانگین مثبت سودده‌ی حداقل سه ساله هستند و نه صورت‌های مالی شفاف و صحیحی دارند. برای ورود به بازار فرابورس تهران در شهریور آتی طبق برنامه‌های وزارت ورزش، احتمالاً تنها درصد کمی از تمامیت سهام استقلال و پرسپولیس آن هم قطعاً با حمایت‌های دولت و طی فروش صندوق‌های سرمایه‌گذاری‌اش واگذار خواهد شد تا سرمایه‌گذاران سهام این دو باشگاه ورشکسته و مقروض را خریداری کنند. با این فرضیه فقط اسماً خصوصی‌سازی رخ خواهد داد و پس از شهریور سرگردانی را در شیخ بهایی و سعادت‌آباد مشاهده خواهیم کرد.

موریانه‌های فساد

یادداشت

شهرام وزیری

برای ریشه‌یابی فساد در فوتبال و گستره ابعاد و نفوذش ابتدا باید لایه‌های به هم پیوسته و درهم تنیده‌اش را مورد بررسی قرارداد تا بتوان در این خاک پوسیده و موریانه زده به کلیت ریشه فساد دست یافت. البته که خاک پرگوهر فوتبال ما ذاتاً پاک و مطهر است اما آنچه امروزه سبب ناپاکی این گوهر مقدس شده و همچنان هم مستدام است، کاشت و داشت و برداشت تخم فساد توسط کدیورهای بی‌ریشه مفسد و فسادپرور در فصل به فصل این فوتبال است تا همچنان در فرایند کاشت بذر فساد و داشت و پرورش نهال‌های مسموم در این کشتزار آفت زده، در برآیند رسیدن به سرخرمن، هرکس به سهم خویش برداشت کند و فصل به فصل خوردن و چاپیدن فوتبال در زمین و زمینه فسادآلود و پرمنفعتش مستدام باشد.

جناب فردوسی می‌فرماید:

درختی که تلخ است وی را سرشت — گرش بر نشانی به باغ بهشت
سرانجام گوهر به کار آورد — همان میوه تلخ بار آورد

بنابراین چگونه می‌توان توقع داشت که با این سرشت فساد زا که در این خاک ریشه دوانده، بتوان میوه شیرین به بار آورد؟ مگر آنکه نه با چنین نمایش‌های مردم فریب کلیشه‌ای که با عزم ملی و همت والای پاکدستان عرصه فوتبال با حمایت جدی و همه سویه قوه قضائیه و قوه قهریه و... بتوان این خاک آلوده را به توبره کشید و برد به دریاهای دوردست ریخت و سپس پشت بندش با گندزدایی و بازسازی مدبرانه بستر لازم را برای رشد و پویایی فوتبالی پاک آماده و میسر کرد؛ البته اگر مرد و مردانش پیدا شوند و همت گمارند.

وقتی در دوره به دوره مجلس، مجلس‌نشینانی چند به تظاهر و خوش خدمتی در مبارزه با فساد کم دورهم نمی‌نشینند و کم از فاسد و مفسد در بوق و کرنای رسانه‌ها نمی‌کنند و در پس آن همه خودگویی‌ها و هنرمندی‌های سرکاری مجلسانه، تنها و تنها نتیجه خروجی این همه نشست‌ها و برخاست‌ها عاقبتش خنده‌ها و نگاه‌های عاقل اندر سفیه مفسدین به ریش اهالی فوتبال باشد. آیا این خود نوعی شوخی و مزاح با موریانه‌های فساد نیست؟

وقتی در آن بلند جایگاهش به تظاهر برای تسکین درد افکار عمومی با عزل مکرر در مکرر بعضی از تیمداران خطاکار و خلافکار، سپس با نصب و جایگزینی دیگر تیمدارانی نوپا و مشتاق میز و پست و مقام؛ دیگر چه انتظار که این خلف‌های آمده نوکیسه و نوپا همچنان مثل اسلافشان قاتل جان و مال این فوتبال نباشند؟ چه انتظار که در فردای این همه ناکارآمدی‌های مکرر، دست مبارکی از آستین همت بدر آید و یقه‌گیر این همه مدیریت‌های بد از بدتر شود؟ آیا این خود نوعی بی‌توجهی به فساد و فاسد نیست؟

دیگر چه انتظار که در چرخه این بخور بخورهای بی‌حساب، برخی قلم‌ها و بعضی میکروفون‌ها و تریبون‌های وابسته به تبعیت از خلافت مستدام چنین خلافکاران، چشم دل به ته انبان این فوتبال ندوزند؟ آیا این گونه قلم‌ها خود نوعی پروپاگاندا برای چرک دامنان فوتبال نیست؟

وقتی در چرخه ماضی ملوث و کثیف این فوتبال بعضی از سرمربیان تیم ملی در مقاطعی خاص در گذشته دست در دست برخی قلمزن‌های چرکین، پیش از اعلام فهرست نهایی با تمهیدات و مقدمه چینی‌های سوداگرانه، زمینه را برای باج خواهی و تلکه کردن در جهت انتخاب و جابجایی چند تنی از بازیکن فراهم می‌کنند، آیا فروش پیراهن تیم ملی یک کشور فساد نیست؟

آنچه امروزه سبب ناپاکی گود مقدس فوتبال شده و همچنان هم مستدام است، کاشت و داشت و برداشت تخم فساد توسط کدیورهای بی‌ریشه مفسد و فسادپرور در فصل به فصل این فوتبال است

مگر این فوتبال مال باخته بی‌پناه یادش رفته که در گذشته‌های نه چندان دور برخی‌ها با توافق‌های پشت پرده با بعضی تیمداران فاسد ضمن ادعای حق سرقفلی با منطقه‌بندی از تیم‌های شمالی و جنوبی و شرقی و غربی در آغاز هر فصل به اعتباری تیم‌ها را در برد و باخت‌هایشان بیمه می‌کردند؟

این فوتبال علیه‌اللعنه که یک جایش فاسد نیست، تو برو بالا و بالاترش. در زمان‌های ماضی وقتی بعضی آقازاده‌های گل و گلاب یقه سفید کم مزه رانت خواری‌ها و بده بستانی‌های خلاف در دل ورزش را نچشیده‌اند. دیگر چه انتظار داری که آقازاده‌های مضارع سوار بر فراری‌ها و لامبورگینی‌ها تخت گاز از قبلی‌ها سبقت نگیرند؟

در این شهر آشوب فساد مالی پشت فساد اخلاقی فوتبال دیگر چه انتظار از برخی بازیکنان نوکیسه میلیاردی که با پشت چشم نازک کردن‌های وقت و بی‌وقت به اندازه پر و خالی بودن جیب مبارکشان لگد به توپ نزنند؟

اگر در گذشته‌های دور غیرت و حمیت و معرفت و قدیسیت پیراهن، سرمایه‌های معنوی تیمداران و مربیان و بازیکنان و ایضاً داوران بود، اما از امروز این فوتبال چه باید گفت که با گم شدن معنویات در انبان گل و گشاد مادیات کمتر توپی به سلامت و درستی رمق چرخیدن دارد؟